

راهبرد اسرائیل در مورد برجام

دکتر وحیده احمدی*

مقدمه

در طول مذاکرات هسته‌ای، رژیم صهیونیستی در راستای جلوگیری از شکل‌گیری توافق میان ایران و ۵+۱، تلاش‌های آشکار و پنهان گسترده‌ای انجام داد. این تلاش‌ها که در مرحله پذیرش برجام در آمریکا نیز ادامه یافت، در مجموع نه تنها به نتیجه نرسید، بلکه باعث اختلافات کم‌سابقه‌ای میان این رژیم و ایالات متحده آمریکا شد. با وجود این، اظهارات مقامات اسرائیلی و تحلیل‌های کارشناسان نشان می‌دهد رژیم صهیونیستی برجام را تهدیدی جدی برای خود می‌داند و مقابله با آن را کنار نخواهد گذاشت. در این نوشتار، ضمن اشاره به موضع و رفتار این رژیم نسبت به مذاکرات هسته‌ای و برجام، به سناریوهای محتمل برخورد آن با این توافق در آینده پرداخته می‌شود.

اسرائیل و تلاش‌های ناکام برای شکست برجام

مخالفت و موضع خصمانه اسرائیل نسبت به برجام، از زمان علنی‌شدن مذاکرات هسته‌ای تا پذیرش برجام، از سوی بنیامین نتانیاوو، نخست‌وزیر این رژیم، بارها تکرار شد. «توافق بد» که به موجب آن «ایران سریع‌تر به سمت هسته‌ای‌شدن پیش می‌رود» و «امنیت اسرائیل، منطقه و

* کارشناس مسائل اسرائیل

جهان را تهدید می‌کند»، محور ثابت اظهارات نتانیاهاو علیه توافق هسته‌ای بوده است. البته موضع نتانیاهاو، رهبر راست‌گرایان اسرائیل، در قبال توافق هسته‌ای با دیدگاه‌های احزاب و نهادهای دیگر این رژیم تا حدودی تفاوت داشت و این مسئله نیز بیش از آنکه به توافق هسته‌ای مربوط باشد، به نگرانی نخبگان اسرائیلی در مورد رابطه تل‌آویو و واشینگتن برمی‌گردد. اگرچه نهادهای مختلف اسرائیل، اعم از رئیس‌جمهور این رژیم و احزاب چپ‌گرا همسو با احزاب راست‌گرایی همچون لیکود، مخالف توافق هسته‌ای به‌عنوان یک رویداد سیاسی مربوط به ایران بودند، اما رویکرد نتانیاهاو، رهبر حزب لیکود، نسبت به این رویداد را مورد انتقاد قرار می‌دادند؛ چون نگران تعمیق تنش‌ها با آمریکا و همچنین با متحدان اروپایی اسرائیل، که در پی مذاکرات هسته‌ای و نهایی‌شدن توافق گسترش یافت، بودند. از این رو، موضع اسرائیلی‌ها در مقابل توافق هسته‌ای بر دو محور به پیش رفت: نخست؛ ضدیت راست‌گرایان با توافق، که در تنش با آمریکا خود را نشان داد و بر اعمال فشار از طریق ساختار سیاسی آمریکا برای جلوگیری از پذیرش و اجرای توافق تأکید داشت و دوم؛ مخالفت میانه‌روها با توافق، که از گسترش تنش‌های خارجی اسرائیل با متحدان خود به‌ویژه آمریکا در هراس بود و تنها راه مقابله با توافق را روابط دوستانه و نزدیک به کاخ سفید و در پی آن، اعمال فشارهای نرم برای تغییر رویکرد آمریکا در قبال ایران معرفی می‌کرد.

پس از ناکامی تلاش‌های اسرائیل در راستای رد توافق هسته‌ای در کنگره آمریکا، خطوط جدیدی به خط‌مشی سیاسی این رژیم وارد شد، که به صورت آشکار در دیدار آبان‌ماه نتانیاهاو از آمریکا بازتاب یافت. نقطه کانونی این خط‌مشی جدید، پذیرش ناگزیرانه تصمیم کاخ سفید و تلاش برای مدیریت تنش‌ها در چند ماه باقی‌مانده دولت اوباما است؛ به‌ویژه که شکاف ایجادشده میان یهودیان آمریکا در پی مواضع مختلف آن‌ها در مورد توافق هسته‌ای ایران و رویارویی آن‌ها در قالب یهودیان وفادار به دولت اوباما و یهودیان هواخواه اسرائیل، ضرورت بازسازی روابط این دو را، هرچند به صورت ظاهری و سطحی، بیش از پیش ایجاب می‌کرد. البته این روند با تلاش برای دستیابی به امتیازات نظامی و نیز لابی با نخبگان سیاسی همسو با اسرائیل در نهادهای مختلف آمریکا به‌ویژه کنگره برای مانع‌تراشی در اجرای برجام همراه بوده است. با این حال، چیزی که اسرائیل در پی انجام آن در قبال توافق هسته‌ای ایران است، منوط

به خروج تیم کنونی مستقر در کاخ سفید و جایگزینی با رئیس جمهور جدید آمریکاست؛ که شمارش معکوس برای آن آغاز شده است.

گام‌های احتمالی اسرائیل در برابر برجام

هرتسی هالیوی رئیس سازمان اطلاعاتی نظامی رژیم صهیونیستی در شانزدهمین دوره از کنفرانس مهم هرتزلیا که در اواخر خردادماه از (۱۴ تا ۱۶ ژوئن) با حضور ۲۵۰۰ تن از مقامات ارشد این رژیم، نخبگان اجتماعی، اقتصادی و تجاری و نیز نمایندگان از سراسر جهان اعم از آمریکا، اروپا، آفریقا، کشورهای عربی و نیز سازمان آزادی‌بخش فلسطین برگزار شد، موقعیت ایران را این‌گونه توصیف کرد: «ما در جهان اسلام با دو گروه مواجه هستیم: شیعیان ایران، که به‌رغم جایگاه مشروعی که در پی توافق هسته‌ای به دست آورده‌اند، همچنان به فکر حمله به اسرائیل هستند و در مقابل، کشورهای سنی عمل‌گرا، که توسط عربستان سعودی رهبری می‌شوند و منافع آن‌ها به‌صورت فزاینده‌ای در همسویی با اسرائیل در حال شکل‌گیری است». وی همچنین در مورد مشروعیت دیپلماسی ایران پس از برجام ابراز نگرانی کرد و گفت: «اگرچه تهدید ایران هسته‌ای در سایه برنامه جامع اقدام مشترک تا چند سال به تأخیر افتاد، اما ایران همچنان در حال گسترش برنامه هسته‌ای خود است، با این تفاوت که اگرچه روند آن کندتر شده است، اما از مشروعیت بین‌المللی برخوردار است». وی افزود: «حال که ایران به میز مذاکره آورده شده، به مشروعیت دیپلماتیک دست پیدا کرده است، در حالی که همچنان اسرائیل را به نابودی فرامی‌خواند و ۶۰ درصد از بودجه نظامی حماس، جهاد اسلامی و حزب‌الله را تأمین می‌کند».

اظهارات فوق که به احتمال زیاد محور رویکرد آینده اسرائیل نسبت به توافق هسته‌ای است، مؤید این نکته مهم دربارهٔ جمهوری اسلامی ایران است، که اسرائیل همچنان برجام را تهدیدی برای خود می‌داند، از این رو به دنبال ممانعت از پیشرفت برجام و مقابله با اجرای آن خواهد بود. این رژیم برای حصول اطمینان از شکست برجام، احتمالاً بر دو راه‌حل تمرکز خواهد داشت؛ حمله نظامی محدود به ایران یا اقدامات غیرنظامی برای فلج کردن اجرای برجام. حمله نظامی به ایران که اسرائیل به‌عنوان نقطه نهایی راهبرد خود، مدت‌ها بر روی آن کار کرده

بود، به تعبیر ماکس سینگر، از کارشناسان مرکز مطالعات راهبردی بگین-سادات^۱، یکی از «فرصت‌های از دست‌رفته» این رژیم است، که با اطمینان می‌توان گفت بازگشتی برای آن متصور نیست. وی می‌نویسد: «اسرائیل سه راه برای مقابله با ایران دارد. نخست؛ می‌تواند عملیات‌های مخفی همچون حمله و پروسی استاکس‌نت را در دستور کار قرار دهد. دوم؛ می‌تواند مجموعه‌ای از اقدامات را برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران پیش ببرد و سوم؛ حمله نظامی علیه ایران را عملیاتی سازد». در مورد حمله نظامی، سینگر می‌گوید «عمیقاً بر این اعتقادم که فرصت حمله به ایران و ضربه‌زدن مؤثر به تأسیسات هسته‌ای آن برای اسرائیل از میان رفته است، زیرا حمایت دیپلماتیک از توافق به‌منزله حفاظی در برابر ایران عمل می‌کند و سپر دفاعی ایران را به‌شکل قابل‌توجهی بهبود بخشیده است. مطمئناً اسرائیل در صورت حمله به ایران با مخالفت جدی آمریکا و کشورهای غربی مواجه خواهد شد. در هر صورت، حمله به ایران می‌تواند برای اسرائیل فاجعه‌بار باشد».

به‌نظر می‌رسد در حال حاضر، راه‌حل دوم مهم‌ترین ابزار عملی رژیم صهیونیستی در قبال ایران خواهد بود؛ به ویژه آنکه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بستر مناسبی را برای به حداکثر رساندن نتایج آن فراهم خواهد کرد. بر این اساس، گفتگوهای محرمانه با مقامات جدید کاخ سفید در مورد ایجاد «راهبردی دوگانه» که بر اساس آن، اسرائیل به‌صورت مشروط توافق هسته‌ای ایران را مورد پذیرش قرار دهد، اما در عمل، فشارها را بر ایران بیشتر کرده و شروط پذیرش آن را به مقامات آمریکایی تحمیل کند، مهمترین اقدام اسرائیل در مرحله پس از انتخابات آمریکا خواهد بود؛ مسئله‌ای که مورد تأکید کارشناسان و تحلیل‌گران همسو با اسرائیل قرار داشته است. ضمن اینکه افزایش فشارهای اتحادیه اروپا و تداوم تفرقه‌افکنی منطقه‌ای به‌ویژه در روابط عربستان و ایران، که اسرائیل از آن به مثابه یکی از مهمترین دستاوردهای کنونی خود نام می‌برد، از دیگر ابعاد این راهبرد خواهد بود.